

ماهاتیر محمد؛مرد تحول و توسعه-۱

نابغه اقتصاد اسلامی در ایران

ماهاتیر محمد برای جهان اسلام، نام آشنایی است. وی نخست‌وزیر سابق مالزی است که در سال ۱۹۲۵ متولد شد و در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ بر مسند قدرت بود و تلاش‌های بسیاری برای مدرنیزاسیون مالزی انجام داد.

اما انتقاداتی نیز به او وارد شد؛ مانند این‌که مستبدانه عمل می‌کند و در سیاست درگیر باندبازی است.

ماهاتیر محمد در ابتدا وارد یک مدرسه بومی زبان شد اما بعد به کالج پزشکی کینگ ادوارد هفتم در سنگاپور رفت. در همان زمان، برای روزنامه‌ای با نام مستعار مطلب می نوشت.

علاوه بر این، وی مسئول جامعه مسلمانان دانشگاه هم بود. بعد از فارغ‌التحصیلی، به عنوان پزشک دولتی به مالزی برگشت و با یکی از همکلاسی‌های سابقش ازدواج کرد.

ماهاتیر محمد در سال ۱۹۵۷ از خدمات دولتی

ماهاتیر محمد؛ مرد تحول و توسعه-۲

«ماهاتیر» نماد تفکر یک ملت بود

آیدین نامغ

دو دیدگاه در مورد ماهاتیر محمد صادق است اول اینکه ماهاتیر بود که مالزی را به دنبال خودکشاند وموفق شدو یا فضای حاکم بر اقتصاد مالزی سکوی پرتاب ماهاتیر محمد بود و اجازه رشد و بالندگی به وی داد.

به نظر می‌رسد در آتالیف شخصیت این نابغه شرق باید بین دو دیدگاه کاملاً تمیز داده شود وشاید تمیز این دو از هم جویای باشد برای آنچه که درخاک گریه‌گون باید می‌شد ولی . . . البته در حوزه اقتصاد-

اگر عملکرد اقتصادی ۸ سال بعد از جنگ که در اصلاحات سیاسی به دوران سازندگی معروف شد را با دوران اصلاحات و بعد از آن دوره اصول‌گرایی به نقد بررسی شود نشان می‌دهدکه اقتصاد ما کاملاً قائل به فرد است، نه گروه دخالت دارد ونه روند؛ پس اگر قرار بود فرد دراقتصاد حاکم باشد در حال حاضر اقتصاد ایران که در قالب ۳ پسته سازندگی، اصلاحات واصول‌گرایی به طور کاملاً مجزا از هم رهبری شد می‌بایست سرانجامی می یافت.

با این ادعا ماهاتیر محمد را نمی‌توان منجی اقتصاد مالزی دانست. اما اگر با برهان خلف اقتصاد ایران را نقادی کنیم و بگوییم اقتصاد ایران به دلیل نداشتن فضای نخبه‌پور با آن همه تناشلس‌ها ناکام ماند، می‌توان اثبات کرد که اگر رشد اقتصادی مالزی ۲ رقمی شد مروهون فضای جاذب در اقتصاد مالزی است. بنابر این اگر امروز مدال افتخار را بر گردن ماهاتیر محمد می‌گذاریم، این مدال برگردن تک تک مجریان ولت مالزی است که اجازه دادند ماهاتیر محمد به نمر برسد و آن را تک‌ریم کردند، نه یک فرد ونسخه هایش، که قطعاً این نسخه‌ها بدون وجود بستر ارتزی ارزش ندارد.



پویا دبیری مهر

بوده است.

بسیاری او را به علت نقشش در مدرن سازی سریع مالزی و رشد رفاه در این کشور تحسین می‌کنند. دولت مالزی مدعی است که فقر در زمان ماهاتیر محمد از ۵۰ درصد به ۶ درصد کاهش یافته است. وی امروز به ایران می‌آید تا از تجربه های کشورش در طی مسیر توسعه برای ما بگوید.
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، امروز[دوشنبه] میزبان نخست وزیر سابق کشور مالزی است تا وی با حضور خود در جمع اعضای هیات نمایندگان اتاق ایران، روسا و اعضای تشکل‌ها، روسای کمیسیون های تخصصی، مدیران، معاونان، مشاوران و فعالان بخش خصوصی کشورمان، دیدگاه‌های خود را درخصوص راهکارهای توسعه روابط تجاری دو کشور، شیوه تعامل بخش های خصوصی و به خصوص اتاق های بازرگانی دو کشور اعلام کند.

استغفا داد و تصمیم گرفت خودش کار کند. به این ترتیب، خیلی زود به ثروت قابل توجهی دست پیدا کرد.

وی با ورود به احزاب طرفدار دولت، به مجلس راه یافت

و در سال ۱۹۷۰ با نوشتن کتابی سعی کرد علل

عقب ماندگی مالزی را توضیح دهد و یک مدل سیاسی

اقتصادی [موسوم به حمایت سازنده] را پیشنهاد داد.

دولت آن زمان، چاپ کتاب او را متوقف کرد؛ هر

چند که از برخی راه‌حل‌های آن سود جست. اما بالاخره

توقف انتشار آن کتاب پرماجرأ سبب شد که در سال ۱۹۸۱

ماهاتیر محمد نخست وزیر شود.

وی در سال‌های نخست وزیریش مالزی را تبدیل

به یک قطب بازرگانی، صنعتی و ارتباطی کرد و

سیاست‌های اقتصادی وی با عنوان «همکاری ملی»،

مالزی را از یک کشور عقب‌مانده به کشوری در حال

توسعه بدل کرد.

دکتر ماهاتیر محمد چهارمین نخست وزیر مالزی

ماهاتیر محمد؛مرد تحول و توسعه-۳

دیدگاه‌های ماهاتیر محمد

ماهاتیر محمد به عنوان یک شخصیت تحول‌گرا در دنیا مشهور است. آشنایی با دیدگاه‌های اقتصادی مردی که مالزی را به عنوان یک کشور توسعه یافته به جهان معرفی کرد، خالی از لطف نیست. ماهاتیر محمد معتقد است که «یک دولت نمی‌تواند در کوتاه مدت کاری انجام دهد. من معتقدم باید یک دوره ده‌ساله باشد. زیرا طرحهای توسعه نیازمند این دوره است. گاهی برای اینکه سیاستهای خود را عملی کنید مدت زمان زیادی احتیاج دارید. وقتی رهبران سریع عوض می‌شوند ایده‌ها به همراه آنها فراموش می‌شود.»

وی در سخنرانی‌ای گفته است: «ما می‌توانیم در مالزی فقط به فکر شکست همسایه ابرقدرتسی مثل چین باشیم و همواره درحال جنگ باشیم، اما ما به خود می‌گوییم: بهتر است از یک کیک که درحال ترفی و رشد است، لقمه‌ای انداز خود برداریم نه کل کیک را که در آن بمانیم. ما دو گزینه داشتیم: خارجی‌ها با تکنولوژی خود کشور مارا صنعتی کنند یا خودمان توسعه پیدا کنیم. از آنجا که ۳۰–۴۰ سال طول می‌کشد تا یکی از این تکنولوژیها را بیاموزیم پس گزینه اول را انتخاب کردیم. قرار نیست تکنولوژی در سیاست وارد شود.»

ماهاتیر محمد درباره تعامل کشورش با جهان می‌گوید: «ما در مالزی اراده کردیم هرچه که خوب بود از شرق و غرب بگیریم. این سیاست در زمانی اتخاذ شد که کشورهای تازه استقلال یافته می‌خواستند از شر خارجیان راحت شوند

و شرکتها را ملی نمایند، اما مالزی برعکس عمل کرد. این اصلی است غیرقابل‌گریز که ما باید با کشورهای دیگر و حتی با قدرتهای بزرگ در تعامل و ارتباط باشیم.»
توجه وی به علم و فناوری نیز مورد توجه است: «اگر به فناوری اطلاعات توجه نکنیم یکبار دیگر از غرب عقب خواهیم افتاد. تحقیقات در اکثر دنیا انگلیسی است باید به این دانش دستیابی بکنیم و علوم را به انگلیسی آموزش دهیم. مدیران و نخبگان موفق خارجی را می‌آوریم تا روشهای نوین را به اندوخته‌های ما اضافه کنند. ما اجازه دادیم که شرکتهای خارجی بیایند و تکنولوژی بیاورند و کارهایی را انجام دهند که ما توان انجام آن را نداشتیم. علم و دانش کسب کردند. ما نه تنها ایجاد شغل کردیم بلکه تخصص نیز بدست آوردیم. خارجی‌ها سرمایه‌های زیادی آوردند و اشتغال ایجاد کردندو ما امروز توانسته‌ایم نیاز سایر کشورها را برطرف کنیم.»

دیدگاه وی درباره مبارزه با فساد و اجرای عدالت

نیز در جای خود قابل‌تامل است: «برای مبارزه با فساد اطمینان حاصل کنید که روند ساده و کوتاه است. مردم رشوه می‌دهند تا فرآیند پیچیده را ساده کنند. بیش از صد‌آیه در قرآن در باره عدالت است اما به شیوه‌های آن اشاره

اقتصادی
Daily Economic News
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سید محمد صفی زاده
آدرس پست الکترونیک
E-Mail : Info@Abrar.ir
نشانی: تهران- خیابان شهید بهشتی- خیابان قائم مقام فراهانی
خیابان شهید میرزا حسنی- پلاک ۸
تلفن: ۴۰ الی ۰۸۰۴-۸۸۷۰۸۸۷۰
نمابر:۰۸۲۷-۸۸۷۰۰۸۸۷
تلفن سازمان آگهی‌ها:
۸۸۷۰۰۷۸۴ -۸۸۷۰۰۷۹۵ -۸۸۷۰۸۷۵۲
آدرس الکترونیکی: www.Abrarnews.com



نکرده است. ما این شیوه را برای اجرای عدالت انتخاب کردیم. اگر عدالت نباشد مهم این نیست که در چه راهی هستید. اگر عدالت هست مهم این نیست که از چه شیوه‌ای استفاده کرده‌اید.»

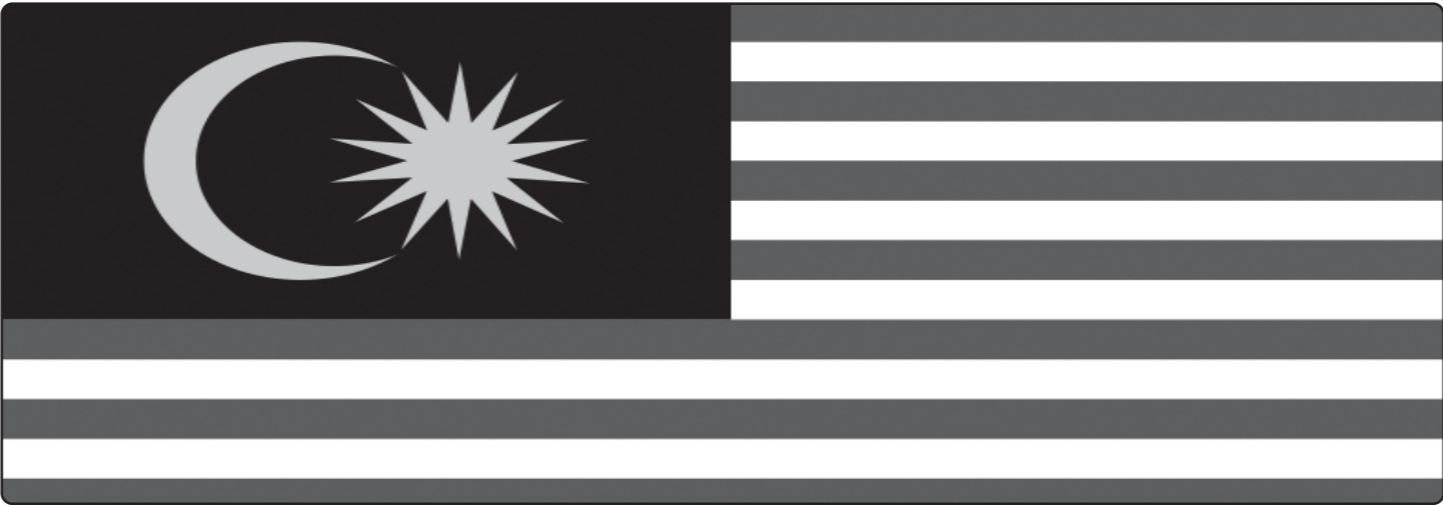
دیگری هم در مالزی وجود دارد که میزان پس‌انداز مردم در آن بسیار زیاد است. ما حدود ۴۰٪ از درآمد ناخالص ملی را صرفه‌جویی و پس‌انداز می‌کنیم به این ترتیب ما پول مردم را مدیریت و آنان را در دارایی‌های کشور سهم می‌کنیم البته تعاونی‌ها نمی‌توانند با صندوق یونیتراست یا صندوق حجاج مقایسه بشوند. با این فرآیند ثروت کشور بین مردم توزیع شده و ما توانسته‌ایم نرخ فقر را تا ۴٪ پایین بیاوریم و حتی می‌توانیم با گذشت زمان آن را به ۱٪ برسانیم که این فقط با بسیج مردم برای پشتیبانی

از دولت امکان‌پذیر است. مردم باید تابع مقررات باشند اگر بخواهند تظاهرات، شورش و اعتصاب بکنند اقتصاد نمی‌تواند پیشرفت کند لذا افرادی که به مجلس می‌روند سیاست‌ها را برای مردم تشریح و به شکایات آنان درباره خدمات دولت گوش می‌کنند. با این تعامل دولت می‌تواند نیازهای مردم را شناسایی و رفع کند و میزان حمایت از دولت را به دست آورد. مساله دیگر مساله زمان است که دولت برای انجام کارها به آن نیاز دارد. گفته شد بنده ۲۲ سال نخست‌وزیر بودم که زمانی طولانی است. ۵ انتخابات را پشت سر گذاشتم و در همه آنها پیروز شدم اما مهم آن است که نمی‌توان در مدتی کوتاه کارهایی انجام داد. شاید بدانید که ژاپنی‌ها نخست‌وزیرشان را هر دو سال یک بار عوض می‌کردند اگرچه کشورشان بسیار پیشرفت کرده اما با این روند هیچیک از نخست‌وزیرها نمی‌توانستند کار بزرگی انجام بدهند. وقتی اقتصاد دچار رکود شد نخست‌وزیری که انتخاب می‌شد عملاً نمی‌توانست کاری صورت دهد و نخست‌وزیر بعدی هم همین‌طور در برخی از کشورها این دوره ۵سال است، اما این ۵سال هم ممکن است، کافی نباشد. برای برنامه‌ریزی یک کشور حداقل ۱۰ سال زمان لازم است. در دوره‌های ۵ساله، اول سوال متوجه می‌شوید که باید با چه کسی چگونه رفتار کنید، سال دوم شروع به برنامه‌ریزی می‌کنید و سال بعد مجلس طرح را قبول می‌کند سال چهارم شروع به اجرا می‌کنید و سال پنجم هم باید بروید. این حتی در مورد رئیس‌جمهور آمریکا هم صادق است چون مدت دوره او چهار سال است. فکر می‌کنم که برای برقراری یک طرح توسعه این زمان کافی نیست. ممکن است این زمان برای نابودی یک کشور کافی باشد ولی برای توسعه آن، خیر. به هر حال نخست‌وزیر باید بداند که چگونه برنامه‌ریزی کند و چگونه آن را به اجرا بگذارد.

در مالزی محدودیتی وجود ندارد و نخست‌وزیر تا زمانی که به او رای می‌دهند می‌تواند در سمت خود باقی بماند. حتی تا آخر عمر ولی من فکر می‌کنم که ۲۲سال برای من کافی بود و من از سمت خود استعفا دادم و سعی کردم به نخست‌وزیر بعدی این شانس را بدهم که کاری را که برای ملت خوب هست، انجام بدهد.

دولت باید قوی باشد و مدت زمان کافی برای توسعه داشته باشد و در ضمن باید بداند که این توسعه را چگونه باید انجام بدهد.

در مالزی آمدم ایده‌هایی را به عاریت از کشور‌های دیگر گرفتم. ما اسم این را نگاه به شرق گذاشیم. منظور از شرق، ژاپن و کره‌جنوبی است. این دو کشورهایی هستند که خیلی سریع پیشرفت کردند و ما می‌خواهیم علت آن را بدانیم. پس از تحقیق دریافتیم که وجدان کاری، فرهنگ و نظام ارزشی آنها به آنها اجازه داد کار‌هایی را که فکر آن‌ها هم نمی‌کردند انجام بدهند. ما سیستم مدیریت آنها را نیز به عاریت گرفتم. یکی از چیزهایی که ما وضع کردیم تعامل نزدیک دولت و بخش خصوصی بود. این تعامل به شما این توانایی را می‌دهد که تجارت خیلی راحت انجام بشود و سود آن نیز از طریق مالیات به دولت برگردد. مثلاً در مالزی مالیات بر درآمد از ۴۸درصد شروع می‌شود ولی تا ۲۸درصد هم آن را پایین می‌آوریم. ما مالیات‌های دیگر را هم کمتر کردیم که به مردم فشار نیاید، بیشتر مالیات‌های ما مالیات بر عملکرد شرکت‌ها است. مردم زیاد از پرداخت مالیات اذیت نمی‌شوند به جز مالیات واردات خودرو چون ما می‌خواهیم مردم خودرو‌های خودمان را استفاده کنند. دولت نیز از طریق میدان دادن به بخش خصوصی هیچ سرمایه‌گذاری نمی‌کند اما ۲۸درصد سود بخش خصوصی نصیبش می‌شود که این بازده بسیار خوبی است.



ماهاتیر محمد؛مرد تحول و توسعه-۴

سخنرانی ماهاتیر محمد در ایران

میان خودشان تقسیم‌کنند که این همان تعاونی است. تعاونی‌ها نه تنها در تجارت بلکه در زندگی اجتماعی مردم نیز نقش مهمی دارند. اینها مانند شرکت‌های بیمه هستند که در مواقع بحران به کمک مردم می‌آیند. تعاونی‌ها با ایجاد فروشگاه‌های مناسب کالای ارزان‌قیمت عرضه می‌کنند که البته در اقتصاد مالزی نقش ویژه خود را دارند. ما سعی کردیم بین اقوام موجود در مالزی تعادل ایجاد کنیم اما افراد بومی زیاد ثروتمند نیستند، بلکه سهامدارند. در حال حاضر مردم واحدهایی به ارزش ۳۰۰میلیارد ریگیت خریده‌اند که ارزش هر سهم آن یک دلار است. دراین یونیتراست مدیران هم حضور دارند و مردم در صورت نیاز می‌توانند پول خود را دریافت کنند.

همه شرکت‌های بزرگ در مالزی سهامی دارند که متعلق به یونیتراست و به طور غیرمستقیم این سهام به مردم واگذار می‌شود و مردم صاحبان شرکت‌ها محسوب می‌شوند که عملکرد خیلی خوبی هم داشته است. در حال حاضر با توسعه این یونیتراست‌ها که تعدادشان به ۹ واحد می‌رسد دانشجویان، کشاورزان و قشرهای مختلف مردم از طریق آن در ثروت کشور سهیم هستند. این یونیر است به گونه‌ای طراحی شده که سهامداران در ضرر و زیان آن شریک نیستند و این برای مردم کشورهای در حال توسعه بسیار جالب است. همچنین بانک‌های پس‌اندازی داریم که صندوق پس‌انداز کارگران است. یکی از آنها EDP است که در حال حاضر حدود یک میلیارد دلار سهام دارد. این بانک هر ماه حدود یک میلیارد ریگیت سود پرداخت می‌کند. این مبلغ از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع و سود حاصل از تجارت پرداخت می‌شود.

این نیز فرصتی است برای کارگران که غیرمستقیم در صنایع بزرگ سرمایه‌گذاری کنند. در کنار اینها صندوق دیگری داریم به نام صندوق حجاج. همه ساله ۵۰۰ هزار زائر به حج می‌روند، این صندوق به حجاج این امکان را می‌دهد که از طریق سرمایه‌گذاری پولشان هزینه کمتری برای این سفر پرداخت کنند.

همانطور که می‌دانید وقتی شما پول پس‌انداز می‌کنید و سرمایه‌گذاری نکنید ارزش پول شما کم می‌شود، اما وقتی در صندوق حجاج سرمایه‌گذاری می‌کنید با سود حاصل از آن مجبور نیستید الباقی هزینه پرداختی را از جیبتان بپردازید. در واقع به نفع حجاج است که در این صندوق سرمایه‌گذاری کنند. صندوق‌های کوچک

چندی پیش ماهاتیرمحمد نخست‌وزیر سابق مالزی به ایران آمد و چند سخنرانی در ایران داشت. وی در زمان ریاست خود، فعالیت‌هایی را برای تحقق توسعه کشور خود انجام داد و نقش بسزایی در اجرایی کردن برنامه ۲۰۲۰ مالزی داشت و از سوی دیگر پروژه‌هایی را برای فقرزدایی و اشتغال عمومی از طریق تثبیت مالکیت و گسترش آن به انجام رساند. سخنرانی ذیل، در همایش «چشم‌انداز توسعه» در ایران توسط وی انجام شده است.

وقتی ما مستقل شدیم مالزی کشور تقریباً فقیری بود و درآمد سرانه ۲۰۰ دلاری داشت، ما فقط صادرات لاستیک و قلع داشتیم و رشد ما در واقع متوقف بود. ما این شانس را داشتیم که کشور ما ثبات سیاسی داشت و این به‌رغم آن بود که مردم مالزی از سه گروه مختلف با یک فرهنگ زبان و مذهب مخصوص به خود تشکیل شده‌اند. ما در مالزی مالیسی‌ها را داریم که طبق تعریف مسلمانند، تعداد بسیار زیادی چینی داریم که دینشان بودایی است و همچنین هندی‌ها که اکثراً هندو هستند، به علاوه شمار زیادی از ساکنان که مسیحی هستند. به‌نظر می‌رسد تلفیق این قومیت‌ها نباید دارای ثبات باشد اما خوشبختانه اولین نخست‌وزیر به‌گونه‌ای توانست این موافقت را به‌وجود بیاورد، وی ثروت و دارایی را میان همه مردم تقسیم کرد و توانست از این طریق ثباتی خاص در مالزی پدید آورد. ما البته یک کشور دموکراتیک هستیم که باید خودمان را به قوانین و مقررات محدود کنیم، به همین دلیل ما تضاد و منافع زیادی نداریم به‌جز سال ۱۹۶۹ که مقداری مخالفت‌های قومی داشتیم و از آن واقعه درس‌هایی گرفتیم. در آن واقعه حدود ۲۰۰ نفر کشته شدند و اموال زیادی از بین رفت. ما از خودمان سوال کردیم اصلاً چه فایده‌ای داشت این تضاده‌ها؟ تصمیم گرفتیم به توافق اولیه خودمان یعنی تقسیم همه چیز بین مردم و گروه‌های مختلف بازگردیم و تعامل کنیم که در این صورت است که رشد مالزی بیش از گذشته خواهد شد. ما در واقع یک دولت ملی داریم و هدفمان خدمت بیشتر و بهتر به مردم و کشور است. برای این منظور باید به‌گونه‌ای بتوانیم از دارایی‌های خودمان استفاده و براساس داشته‌هایمان رشد کنیم. تصمیم گرفتیم صنعتی بشویم اما این صنعتی شدن چگونه بود، وقتی که ما تکنولوژی و دانش فنی و بازار را نداشتیم. اگر بخواهیم صنعتی بشویم باید درهای کشور را روی خارجی‌ها باز کنیم تا آنان در صنایع تولیدی کشور ما سرمایه‌گذاری کنند. در واقع صنعت به مالزی بود برای تولید و کار. بنابر این علاقه‌ای نداشتیم که سرمایه‌گذاران مالیات بدهند و این فضای مطلوب سرمایه‌گذاران برای آن بود که سیاست مالیات تاجرپسند ایجاد شده، آنها نیز علاقه‌مند شدند. این اقدام زمانی انجام شد که کشور ما به‌تازگی مستقل شده بود و می‌خواست از شر خارجی‌ها خلاص‌شود و صنایع را ملی کند. در عین‌حال این استقبال خارجی‌ها ما را نگران کرد که شاید آنان اقتصاد ما را بی‌ثبات کنند. ما در این زمان برعکس ملی کردن صنایع و شرکت‌ها حدود ۶۰درصد سهام شرکت‌های ثبت شده را به خارجی‌ها واگذار کردیم و به آنها گفتیم که باید کاری کنند که ما قادر به انجام آن نبویم. در واقع آنان باید صنعت تولید کار را پایه‌گذاری می‌کردند که پذیرفتند. در حال حاضر مالزی نیازمند نیروی کار خارجی است. از ۲۷میلیون جمعیت مالزی حدود دو میلیون نفر کارگران خارجی هستند و نیازمان هم تا حدودی تأمین است. با ورود صنایع جدید، آموزش آن نیز آغاز شد.

مالزیایی‌های زیادی ازجمله کارگران، مدیران کل در شرکت‌های خارجی استخدام شدند و تکنولوژی وارداتی آن را یاد گرفتند، با این کار نه تنها اشتغال ایجاد شد بلکه تخصص هم در پی داشت و کشور به سمت رشد سریع حرکت کرد.

ملاک این پیشرفت سریع آن است که صادرات کل را از دو میلیارد دلار به بیش از ۱۰۰میلیارد دلار فعلی رساندیم که ۸۲درصد آن کالای ساخت مالزی است. از ۶۵۰هزار بشکه نفت تولیدی ۲۵۰هزار بشکه آن را صادر می‌کنیم. نفت، لاستیک، قلع، روغن نارگیل و . . . درصد کمی از صادرات را تشکیل می‌دهند. این به آن معنا نیست که فقط توانایی تولید نوع نوح کالا را داریم ما این توانایی را داریم که محصولات